



مردی چنین میانه میدانم آرزوست!!!

محسن تاحک نژاد



درس، شکاف زندگی

محمد غلامی

«ورزشکاری دیسکی به جرم ۵ کیلوگرم را در دست دارد. او قادر است با انرژی که به پرتابه می دهد، با سرعت ۱۰ متر بر ثانیه آن را پرتاب کند. اگر از اصطکاک هوا صرف نظر شود؛ نسبت تناژت زاویه ی پرتاب را به سینوس زاویه ی بین امتداد آرنج ورزشکار و خط طولی زمین را طوری بیاید که اندازه ی برد پرتاب، بیشینه ی مقدار خود را داشته باشد.

آیا کسی که می خواهد رکورد دار پرتاب دیسک در المپیک شود، باید بتواند این سوال را حل کند؟ اگر اینطور است پس حتما احسان حدادی پاسخ را می داند. به نظرتان اگر بخواهم تست پرتاب دیسک بدهم باید حتماً جواب این گونه سوالات را بدانم که قبول شوم؟»

این سوال مسخره به مقدمه ای بدل شد برای این مقاله که شاید در پایان بگویید: «چقدر مسخره!» ولی در حال حاضر واقعیتی تلخ را بیان می کند؛ یعنی «بیگاری» در دانشگاه که شاید بعد ها به «بیکاری» پس از دانشگاه منجر گردد. این بیکاری، خود؛ یک آسیب فردی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت ولی زخم عمیق تر از این است و «بیگاری» در دانشگاه از جهات دیگری هم به فرد و جامعه ضربه خواهد زد که در این مقاله به آن ها خواهیم پرداخت.

دانشگاه، اولین محیط آکادمیکی است که فرد به آن پا می گذارد. این محیط تاثیر بسیار زیادی بر افکار فرد و در نگاه کلان تر جامعه خواهد داشت. دانشجو علم را فرا می گیرد که با آن به مشکلات جامعه کمک کرده و نقص های جامعه را بهبود ببخشد. پس طبیعی است که باید علمی مفید برای خود و جامعه اش را فرا گیرد یا به عبارتی در پایان تحصیل بتواند به سوال هایی پاسخ دهد که این سوال ها را جامعه مطرح می کند. جامعه یعنی جمع ما، همین مایی که در این جامعه زندگی می کنیم. برای بهتر زندگی کردن به علم متناسب با این زندگی نیازمندیم. واقعیت تلخی که به آن اشاره شد؛ ایجاد شکافی عمیق میان دانشگاه و زندگی است. شاید راه پر کردن این

ادامه متن را در صفحه ۳ پیگیری کنید.



انقلاب پیروز شد و حکومت اسلامی شکل گرفت و باید مسیر رسیدن به تمدن اسلامی را پیش می رفت. حالا دیگر کارکرد جنبش دانشجویی تغییر کرده است. اگر جنبش دانشجویی تا دیروز برای رسیدن به این حکومت اسلامی باید مبارزه می کرد و جلوی گلوله های مأمورین پهلوی می ایستاد و برای خشکاندن ریشه استکبار از کشور از دیوار سفارتخانه فلان کشور بالا می رفت، امروز باید آرمان ها و شعار های انقلاب -ظلم ستیزی، استکبار ستیزی، استبداد ستیزی، فقر ستیزی و عدالتخواهی، استقلال طلبی و ...- را دست بگیرد و به دنیا

ادامه متن را در صفحه ۳ پی گیری کنید.

مستثنی کرد. جنبش دانشجویی در تاریک ترین دوران تاریخ معاصر ایران شکل گرفت. آن هم با انجام یک فریضه دینی، یعنی اقامه نماز جماعت در دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران. دانشجویان مسلمان به مدد فطرت وجودی، جهان بینی اسلامی و صد البته مطالعه برای ایجاد تغییر در جامعه به پا خواستند و واقعیت را در فروپاشی تمدن ۲۵۰۰ ساله و ایجاد تمدنی مبتنی بر المان های دینیشان دانستند. واقعیتی که نمود اولیه اش را در ۱۶ آذر ۳۲ می توان دید. تلاش برای مبارزه با استکبار خارجی با هدف رسیدن به استقلال. تلاشی که در دهه های ۴۰ و ۵۰ بیشتر ناظر بر مبارزه با استبداد داخلی بود تا آن که به تشکیل انقلاب اسلامی رسید.

قدم اول اینجا اتفاق افتاد. دانشگاه تهران: دانشکده فنی. نیکسون به ایران آمد تا شرایط پس از کودتا را بررسی کند. دانشجویان، کودتاگر را برنتابیدند و معترض شدند و فریاد زدند و شاه هم از سر ناتوانی، فرمان آتش را صادر کرد. احمد قندچی، مصطفی بزرگ نیا و مهدی شریعت رضوی بر روی سنگ فرش های دانشکده فنی جان دادند و به ۳ آذر اهورایی معروف شدند تا واژه «جنبش دانشجویی» در ایران معنا و مفهوم خاصی پیدا کند.

اصالت وجودی، رمز ماندگاری و تداوم و احیانا دلیل موفقیت یک پدیده را باید در تولد یا نقطه آغاز آن پدیده جست و جو کرد. جنبش دانشجویی را هم طبیعتاً نمی توان از این قاعده

عکس نوشت

حکم اعدام بابک زنجانی تایید شد.

انصاری، معاون نظارت دیوان عالی کشور در گفت و گو با خبرنگار قضایی خبرگزاری تسنیم اظهار داشت: حکم پرونده بابک زنجانی



در دیوان عالی کشور صادر شده است.

وی از تأیید حکم اعدام بابک زنجانی از سوی قضات دیوان عالی خبر داد.

اکثر حقوق های نامتعارف قانونی بود!!!

وزیر امور اقتصادی و دارایی با بیان اینکه اکثر حقوق های نامتعارف قانونی بود گفت: بیست و چند میلیارد تومان از پول های نامتعارف مدیران به بیت المال بازگردانده شد.



البته درباره فیش های نامتعارف، تخلف کمتری داشته ایم و اکثر مواردی که دریافتی نامتعارف داشتند مستند به آئین نامه ها، دستورالعمل ها و مقررات بوده است که میزان دریافتی را برای آنها مقرر کرده بود.

اطلاعیه ثبت نام ساقی کوثر ۷

ثبت نام اردوی زیارتی مشهد مقدس ساقی کوثر ۷ از ۱۴ آذر ماه در سایت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه سمنان به آدرس iasu.ir و دفاتر انجمن اسلامی در دانشکده های فنی و



پایه و دفتر هیئت محبان روح ... در پردیس شهدا انجام می پذیرد.

ظرفیت اردو محدود و اولویت با دانشجویان جدید الورد است.

برخی اعضای حزب اعتدال و توسعه «اتوبوسی» به دولت رفتند

امین روغنی مسئول سازمان کارگروه های تخصصی حزب اعتدال و توسعه و مسئول مناطق استان تهران ستاد روحانی در سال ۹۵ که به تازگی از مسئولیت و عضویت در این حزب



استعفا داده است. او درباره دلایل جدایی خود گفت: «بعد انتخابات نوبخت تیمی تشکیل داد تا حزب را ترمیم کند اما به مرور برخی اعضای حزب تبدیل به اتوبوسی شدند که به دولت رفتند و بدنه زیادی از حامیان بدون فریادرس روحانی به سمت ما گلايه می کردند.»



۱

پس از روی کار آمدن دولت حسن روحانی و آغاز دور جدید مذاکرات با ۴ قدرت جهان که ۱۲ ماه به طول انجامید، در این مدت تمامی مشکلات کشور از آب خوردن مردم گرفته تا مشکل محیط زیست، رکود، نبود تکنولوژی، وجود تمامی تحریم ها و چه و چه و چه، همه به نتیجه مذاکره با ۵+۱ و به خصوص با آمریکا نسبت داده شد. حال که مذاکرات به نتیجه رسیده و برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) تدوین شده است، اما همچنان آتش همان آتش است و کاسه همان کاسه!

جالب تر اینجاست که در چند روز اخیر، مجلس سنای آمریکا با تمدید قانون ISA (تمدید تحریم های ایران برای مدت ۱۱ سال)، عملاً برجام را نقض کرد. این در حالی است که قلب رآکتور اراک خارج و با سیمان پر شد. تمامی اورانیوم غنی شده ۱۱ درصد به ۵ درصد تبدیل و آب سنگین ما به خارج از کشور منتقل یا فروخته شد.

به قول آقای سیف، رئیس بانک مرکزی: «تقریباً هیچ چیز از برجام عاید ایران نشده است.»

۲

روش و منش برخورد هر شخص و گروهی با منتقدانش، نشانگر میزان ظرفیت و اخلاق آن شخص و گروه است. از زمانی که دولت یازدهم به روی کار آمد، برخوردشان با منتقدین به هیچ عنوان زیبنده نبود. رئیس جمهور و کابینه اش به دفعات و با الحان و الفاظ مختلف منتقدانشان را مورد لطف خود قرار داده اند!

الفاظی همچون افراطی، ترسو، بزدل، عقب مانده، بروید به جهنم، در فساد غوطه ورنده، عصر حجری، متوهم، دین شناس و... پایه ثابت برخوردشان با منتقدین است. دولتی که رئیسش هنگام دیدار با رئیس قوه قضائیه، به جای معرفی مدیران نجومی و شرکای حقوقی، خواهان بستن رسانه های منتقد و بخصوص روزنامه های منعکس کننده درد توده های مردم می شود که خود جای بسی تأسف دارد.

به هر حال بستن دهان منتقدین و برخوردهای زشت و زننده با آن ها روش اتخاذ شده دولت برای برخورد با منتقدین است.

۳

بهبود معیشت مردم از جمله مهم ترین دغدغه های هر دولتی در دوره ۴ ساله خود می تواند باشد. با بررسی وضعیت کارخانه ها و تولیدی های داخلی، به وضوح می توان دید که اوضاع بر وفق مرادشان نیست. تعطیلی کارخانجات بزرگی همچون ارج و اوضاع کساد خرید و فروش در بازارهای سراسر کشور خبر از سایه افکندن رکود بر اقتصاد ایران می دهد. گسترش رکود باعث افزایش میزان بیکاری در کشور می شود تا جایی که در تابستان ۵۵ از ۱۳ استان کشور، ۱۴ استان دارای نرخ بیکاری دو رقمی بوده اند.

مردمی که با رکود و تورم و

۴

جایگاه پاسپورت ایرانی در محافل بین المللی مقیاس دولت برای سنجش عزت ملی کشور بود تا جایی که در شعارهای تبلیغاتی خود قبیل از انتخابات ۹۲ دائماً وعده ارتقا جایگاه پاسپورت ایرانی را می داد.

پس از این مدت نه تنها ارزش پاسپورت لیران و کرامت هموطنانمان در خارج از کشور بیشتر نشد، بلکه حوادث شرم آور و ناگواری در کشور های مختلف از جمله عربستان روی داد. از واقعه فرودگاه جده گرفته تا حادثه ناگوار منی در عید قربان. در این حادثه، دولت برای پیگیری اوضاع جانباختگان و امدادسانی به مجروحان در خاک عربستان، دست به دامان کشورهای کوچک حاشیه خلیج فارس شد. مطمئناً عزت ایرانی هیچوقت نمی پذیرد تا مسئولین کشور که نماد مردم آن کشور در

مایه_شرمساری

بیکاری دست و پنجه نرم می کنند، زملنی ناراضیتی شان چندین برابر شده و کارت به استخوانشان می رسد که شاهد دریافت حقوق های نجومی توسط مدیران دولتی و اختلاس های چندین هزار میلیاردی توسط مسئولین هستند. از همه مهمتر زمانی است که عده ای نجومی بگیران را از ذخایر نظام می دانند و می گویند که اکثر حقوق های نامتعارف قانونی بوده است. به هر حال مردم با توجه رأیی که داده اند از دولت انتظار دارند تا به وعده هایش عمل کند. برای مثال اگر قبل از انتخابات می گوید که از مسکن مهر حمایت می کند، پس از انتخابات این طرح را مزخرف نخواند و یا قیمت خانه ها را به حدی بالا نبرد تا عده ای مجبور به انصراف شوند. با لین کار مردمی که پس از خدا امیدشان برای خانه دار شدن به چنین طرح هایی است، دچار یأس و ناامیدی می شوند. مثال ها از این دست بسیار است اما...

۵

به هر حال مواردی که ذکر شد از جمله مسائلی است که مردم به صورت مستقیم با آن ها در ارتباط هستند.

قضاوت با خواننده محترم است که آیا مواردی که ذکر شد مایه شرمساری است یا لغو سخنرانی یکی از نمایندگان مجلس در شهر مشهد؟

سطح بین الملل هستند، مقابل یکی از مسئولین کویت زلنو زده و از او درخواست میانجی گری کند.

این سیر اتفاقات همین جا تمام نمی شود، تا



#ستون اخبار#



بعد از مجلس نمایندگان، مجلس سنای آمریکا نیز با ۱۰۰ درصد آرا یعنی با ۹۹ رای موافق و بدون رای مخالف، طرح تمدید ۱۰ ساله «قانون تحریم‌های ایران» را تصویب کرد.

سخنرانی ظریف در مجلس در تاریخ ۲۳ خرداد ۹۵: قانون ISA در پایان سال ۲۰۱۶ مدتش تمام می‌شود. تمدید قانون ISA امفایر با برجام است. آن‌ها هم در جلسه کنگره اعلام کردند که باید نحوه برخورد با این قانون به شکلی باشد که برجام را نقض نکند.

صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی: تمدید تحریم‌ها نقض صریح برجام است/ پیش‌بینی‌های لازم را از قبل کرده‌ایم؛ آمادگی خوبی برای واکنش داریم.

بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه: مصوبه اخیر مجلس نمایندگان و سنای آمریکا برای تمدید تحریم‌ها علیه ایران مخالف برجام و تعهدات آمریکا در حقوق بین‌الملل مبنی بر عدم مداخله در روابط داخلی و بین‌المللی سایر کشورها است.

سیدرضا اکرمی رئیس شورای فرهنگی نهاد ریاست جمهوری: باید همه از نظر دینی، عقیدتی، اخلاقی و تجربی بپذیریم که نمی‌شود از آمریکا جز این انتظار داشته باشیم.

الهام امین‌زاده دستیار رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی: تمدید تحریم ایران توسط آمریکا خلف وعده و پشت پا زدن به تعهد بین‌المللی است/ انتظار می‌رود اوباما و تو کند.

الیاس حضرتی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی: دولت باید به تمدید تحریم‌های ۱۰ ساله آمریکا علیه ایران واکنش نشان دهد/ موضوع را یکشنبه در مجلس بررسی می‌کنیم.

محمد رضا عارف نماینده مردم تهران و رئیس فراکسیون امید مجلس شورای اسلامی: دولت آمریکا راهی جز وتوی مصوبه سنا ندارد/ ایران واکنش جدی به مصوبه تمدید ۱۰ ساله تحریم‌ها نشان می‌دهد.

ولایتی، عضو هیئت نظارت بر برجام: تمدید تحریم‌های ایران توسط آمریکا نقض صریح برجام است.

ادامه متن مردی چینی میانه ...

عرضه کند چرا که زنده ماندن جنبش دانشجویی در گرو همین آرمان خواهی هاست.

حالا اگر همین آرمان خواهی را کنار بگذاریم، در غل و زنجیر مصلحت اندیشی گرفتار خواهیم شد. امروز را نمی‌دانم ولی سال‌های ابتدایی دهه ۷۰ مثال خوبی از این مصلحت اندیشی هاست. دورانی که به مدد بسته شدن فضای نقد در کشور، عده‌ای مخالفت با رئیس‌جمهور وقت را به مشابه دشمنی با رسول... می‌دانستند و جنبش دانشجویی را هم دعوت به توجیه‌گرایی می‌کردند. در همان روز‌هایی که بزرگان کشور لعن و نفرین می‌کردند کسانی را که نمی‌گذاردند دانشجوی سیاسی باشد، عده‌ای دیگر از چاله درآمده و به چاه افتادند. آن‌ها هم با عدم درک صحیح از واژه «سیاست»، آن‌ها سیاست را نه به معنای داشتن تحلیل سیاسی از مسائل و دخیل کردن در تدبیر امور که داخل شدن در فضای قدرت طلبی احزاب سیاسی معنا کردند. دفتر تحکیم وحدت را به یاد بیاورید.

تحکیمی که روزی پایگاه دانشجویان برای اعزاز به جبهه‌ها بود، به جیره خوری از احزاب سیاسی افتاد، آن‌ها هم با حمایت از فلان لیست و بهمان جریان و بیثار شخص در انتخابات‌های مختلف به امید دستیابی به قدرت و روزی رسید که این بخش از جنبش دانشجویی به یکی از احزاب هجده گانه جریان اصلاحات تبدیل شد. انشقاق و چند پارگی تحکیم و تبدیل به پیاده نظام شدن ضد انقلاب در دانشگاه را باید در همان سیاسی کاری و قدرت طلبی هایشان جست و جو کرد. سر در آوردن علی افشاری از صدای آمریکا، دیده بوسی احمد باطبی و بوش پسر در کاخ سفید و اخیرا هم سخنرانی شبنم مدد زاده در کنگره سازمان منافقین - که همه از دانشجویان فراری عضو دفتر تحکیم بودند - همه نشات گرفته از همان شعار توسعه سیاسی است که در آن روز ها سر داده می‌شد. اما غصه آنجا دردناک تر می‌شود که دولتی به عنوان بخشی از بدنه قدرت در کشور پا به میدان می‌گذارد و دستور ساختن تشکل‌های حامی خودش را صادر می‌کند و با چشم به هم زدن دانشگاه‌ها پر می‌شود از

تشکل‌هایی که پسوند «اعتدال»، «پیشرو»، «فرهنگ و سیاست»، «پیرو خط امام» و کذا را یدک می‌کشند و مهم ترین شاخصه آنها دفاع تمام قد از قدرت است.

وقتی کارکرد یک جنبش



دانشجویی در به دست آوردن و یا توجیه قدرت تعریف شود، بی تردید دیگر از آن آرمان‌های بلند - عدالت خواهی، استکبار ستیزی، ضدیت با استبداد - خبری نیست. دیگر این دانشجویان، نه افرادی با فکر و تحلیل مستقل دنبال تعالی، که خود سیاست باز هستند که تبدیل به پیاده نظام احزاب می‌شوند. روزی از

رئیس جمهوری حمایت می‌کنند و فردایش شعار عبور از او را سر می‌دهند. آنجاست که دیگر برای چنین جنبش دانشجویی ای تره هم خورد نمی‌کنند و باید فاتحه آن را خواند.

وظیفه من و شمای دانشجوی دانشگاه سمنان که تا اینجای متن را تحمل کرده و دانشجویان تمامی دانشگاه‌ها مطالبه‌گری و داشتن تحلیل سیاسی است. برای این مهم باید تلاش کرد. مثلث خوابگاه سلف دانشکده را باید شکاند. باید مطالعه کرد و هزینه داد تا هم چنان که روزی همین دانشگاه حکومت طاغوت را از بین برد و ۸ سال برای دفاع از آن آرمان‌ها جنگید، حالا به همان آرمان‌ها افتخار کند و آن‌ها را به گوش دنیا رساند و بتواند با شاخص قرار دادن آن‌ها کشور و مسئولینش را با نقد هایشان از خطا باز دارد. حالا آن مسئول خواه رئیس‌جمهور باشد. خواه نماینده مجلس، خواه رئیس ستاد کل نیروهای مسلح. رهبر فرزانه انقلاب با آگاهی از این موضوع می‌فرماید: «جریان دوم که آن مسئله‌ی آرمان‌خواهی است در دانشگاه‌ها - که در زبان متعارف به او گفته می‌شود جنبش دانشجویی - در کشور ما تاریخ بسیار جالبی دارد. این را از این جهت می‌گویم و رویش تکیه می‌کنم که این حرکت باید ادامه پیدا کند و این چیزی نیست که بتواند متوقف بشود؛ چون کشور در شرایطی است و نظام جمهوری اسلامی، ساخت و ویژگی‌ها و مختصات دارد که حتما جنبش دانشجویی در کنارش بایستی حضور داشته باشد. این جنبش دانشجویی در کشور ما در تاریخ ثبت شده و شناخته شده‌ی خود، همیشه ضد استکبار، ضد سلطه، ضد استبداد، ضد اختناق و به شدت عدالت‌خواه بوده است.»

ادامه متن «درس، شکاف زندگی»

شکاف، بومی کردن علم است که اقداماتی برای آن انجام شده است. مثلا نام ضرایب بسط دو جمله‌ای را گذاشته اند «مثلث خیام پاسکال!» یا بزرگترین اقدامی که در ترجمه‌ی کتاب فیزیک هالیدی در راستای بومی کردن علم انجام شده است این است که به جای ممان اینرسی از معادل آن؛ یعنی گشتاور لختی استفاده شده است. در همین شرایط است که دانشجوی رشته‌ی دامپزشکی ما، بعد از شش سال درس خواندن فارغ التحصیل می‌شود و وقتی سر کار می‌رود و می‌خواهد گاوی را معالجه کند، نمی‌تواند. علت را که جویا می‌شویم؛ می‌گوید: در دانشگاه به ما کتاب آناتومی گاو روبرت بادراس تدریس شده است، که بر اساس گاوهای آمریکا تالیف شده.

علوم تجربی بر اساس نیازهای جامعه‌ی گسترده‌ای پی ریزی شده‌اند؛ یعنی جامعه‌ی انسانی. بومی سازی در جهت این علوم هرچند که لازم است ولی عدم آن ضرر زیادی به ابعاد مختلف یک جامعه وارد نمی‌کند. مشکل آنجا سخت می‌شود که علوم انسانی ما تحت الشعاع غرب زدگی قرار بگیرند. یعنی علوم‌ی که مستقیما بر عقاید و فرهنگ و هنر یک جامعه اثر ژرفی دارند. علوم انسانی به معنای مطالعه و بررسی هنجارها، ناهنجاری‌ها، رفتارها می‌باشد و تطبیق این علوم بر اساس نیاز فرهنگ جامعه است. اما در دانشگاه‌ها شاهد هستیم که در نظریات اساتید برخی از تفکرات شبه مدرنیته غربی علوم انسانی ما را مورد آلابیش قرار داده است. تمامی مفاهیم موجود در این علوم، باید در جهت جهان‌شناختی جامعه‌ی مورد نظر

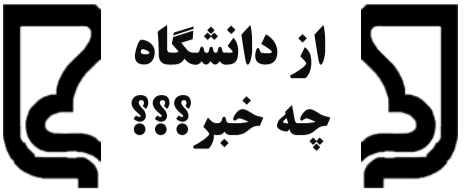
سو گیرند. روش ایجاد علم بومی، یافتن سوال بومی و به دنبال پاسخ آن سوال بودن است. اما در دانشگاه‌های ما این یافتن سوال وجود ندارد و سوالاتی که دیگر جوامع در نیم قرن قبل مطرح کرده اند در اینجا مطرح می‌شود و جالب است پاسخی که به سوال داده می‌شود هم همان پاسخ غربی هاست. در کل عمل‌کپی-پیس در دانشگاه‌های ما خیلی رواج دارد؛ از همان دانشجویی گرفته که تمرین‌ها را دست به دست می‌چرخاند و همه کپی می‌کنند تا همان استادش که پنجاه سال است از روی یک جزوه که مال فلان پروفیسور آمریکایی است تدریس می‌کند همه متخصص کپی - پیست هستند. در نگاه کلان تر خود نظام آموزشی هم فقط بلد است کپی-پیس کند. پس طبیعی است که ببینیم نظریه‌ی منسوخ شده فریود کماکان در بعضی از دانشگاه‌ها تدریس شود.

این معضل، در هنر ما هم رخنه کرده است و هنر نوین ایرانی تجلی گرفته از هنر غرب است. نمی‌خواهم بگویم که هنر غرب خوب است یا بد ولی هنر غیر از این که برای خود است، باید به شکل ظریفی به جامعه نیز کمک کند. زمانی که منبع این هنر از زندگی عوام و اقشار مختلف مردم فاصله گرفت، مخاطبان این هنر، خواص خواهند بود.

همان خواص هم در جامعه‌ای که مهد شعر و ادب و فرهنگ است به سراغ ادبیات کافکا و کامو و ... خواهند رفت. من در سدد رد یا تایید این افراد نیستم؛ منظورم این است که هر جامعه نیازمند هنری است که زاینده‌ی آن جامعه باشد و نقش آن جامعه باشد و جامعه یعنی جمع ما؛ یعنی مایی که در این جامعه زندگی می‌کنیم. اما متأسفانه شبه روشنفکران ما که گرفتار بن بست شبه مدرنیته اند این دیدگاه را سنتی می‌نامند و نام امثال من را امل می‌گذارند. همین جاست که کسی که استاد دانشکده‌ی ادبیات است می‌آید و در شب شعری که به منظور بزرگداشت حضرت حافظ برگزار گردیده، هر بهتانی را که میل دارد به حافظ نسبت می‌دهد در حالی که اگر جلیوش را نگیرند، او را ملحد هم معرفی خواهد کرد. من دانشجویی که تا به حال یک کتاب هم در خصوص حافظ شناسی نخوانده ام شروع می‌کنم و او را تشویق می‌کنم و افکارش در ذهنم جا باز می‌کنند. آن زمان است که به حافظ هم می‌گوییم؛ امل.



اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی



از دانشگاه
چه خبر؟؟؟

افزایش سرمایه‌های هوا در هفته‌های گذشته یکی از اصلی‌ترین مشکلات دانشجویان بوده است، نمازگزاران و آن دسته از عزیزانی که زمان بین کلاس‌های ظهر و بعد از ظهر خود را در مسجد دانشگاه می‌گذرانند، از نامناسب بودن سیستم گرمایشی این مکان مقدس گله داشتند. پر واضح است که وجود یک و یا حتی ۲ هیتر در مسجد به این وسعت پاسخگو نمی‌باشد. به علاوه سالن‌های مطالعه خوابگاه نیز با سرد شدن هوا مشکل گرمایشی داشتند، سال گذشته قرار شده بود اسپیلت‌های سرد و گرم برای تامین رفاه دانشجویان به مجموعه سالن‌های مطالعه خوابگاه اضافه گردد که هنوز از آن‌ها خبری نیست. بخاری‌های قول داده شده برای سلف فنی هم ظاهراً به فراموشی سپرده شد.

معاونت دانشجویی اعلام کرد، چون علی‌رغم تذکرات مکرر، گزارش‌های واصله نشان می‌دهد تعداد اندکی از دانشجویان هنگام دریافت غذا شئون‌ات اسلامی را رعایت نمی‌نمایند، از تاریخ ۹۵/۹/۲۰ توزیع شام در سلف خوابگاه فرزندان کنسل شده و از آن به بعد در سالن غذا خوری پردیس انجام خواهد شد.

در هفته گذشته شاهد بودیم که آب آشامیدنی خوابگاه‌ها که با قول معاونت دانشجویی از ابتدای آبان ماه بهتر شده بود، برای چند روز دوباره به حالت قبل بازگشت. این در حالی است که در یک ماه اخیر این اتفاق برای بار دوم می‌افتد.

دور و برت رو به نگاه کن. مشکلی نداری؟ همه چی رو به راس؟ بدخواه مدخوخواه نداری؟ این نشریه چگونه؟ خوشتر اومد؟

مخلص کلام، اگه مشکلی بود از خوابگاه تا سلف، از سلف تا دانشکده، ما در خدمتیم... اگه نظری در مورد نشریه هم داری، با گوش جان میشنویم...

اینم شماره باشگاه: ۰۹۳۷۸۱۰۸۵۸۱

Alef.semnan@gmail.com

https://telegram.me/lasu_ir

www.iasu.ir

Anjomaneslami.semnan

۰۹۳۷۸۱۰۸۵۸۱

گازنامه سیاسی، انتقادی، اجتماعی انجمن اسلامی دانشجویان
سال پانزدهم / شماره ۱۲۳ / آذر ۱۳۹۵
مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی
همکاران: فرهود فودازی، محمد امین عارف نیا، محسن تاجیک نژاد، محمد غلامی

و برخی جوانان ایرانی نیز به ایدئولوژی‌های مارکسیستی گراییده و به برداشتی مارکسیستی از اسلام قائل شده بودند، در اواخر دهه‌ی شصت و با افول و مرگ ایدئولوژی مارکسیستی در جهان، ایدئولوژی لیبرالیستی شیوع یافت و لیبرال‌دموکراسی (که مدعی غلبه بر ایدئولوژی مارکسیستی و شکست آن بود) در صدر نشست. این چرخش ایدئولوژیک در گستره‌ی جهانی، روشن‌فکران ایرانی را نیز که مطیع و دنباله‌رو جریان ایدئولوژیک غالب و مسلط در غرب بودند، به هوس هواداری از ایدئولوژی لیبرالیستی افکند و حتی برخی نیروهای تندرو چپ و مبارز که در ضدیت با نظام سرمایه‌داری، گوی سبقت را از همگان ربوده بودند نیز دچار دگردیسی شده و لیبرال شدند. به این ترتیب، انگاره‌ی اسلام رحمانی به تدریج شکل گرفت و لحاظ فکری و اجتماعی، تا حدی تثبیت شد و تشخیص یافت.

البته قائلان و عاملان انگاره‌ی اسلام رحمانی، تصریح به التقاط نمی‌کنند و از تلفیق اسلام با لیبرالیسم سخن نمی‌گویند، بلکه مضامین ایدئولوژی لیبرالیستی از قبیل آزادی، حقوق بشر، عقلانیت، دموکراسی و... را مقولات عام و مقتضای جهان متجدد تصویر می‌کنند و آن‌گاه نتیجه می‌گیرند که اسلام چاره‌ای جز انطباق حداکثری با این ضرورت‌ها و حتمیت ندارد یا اینکه اسلام در ذات خویش مؤید همین مقولات و مفاهیم است و چنین قرائتی از اسلام، همان اسلام حقیقی و راستین است. از این رو، فضایی مبهم و غبارآلود پدید می‌آید که در آن، التقاط چندان آشکار نمی‌شود و به نام اسلام، حقیقت اسلام مسخ و زائل می‌گردد. درباره‌ی التقاط اسلام با مارکسیسم نیز همین مسیر پیموده شد. التقاط‌های دهه‌های چهل و پنجاه مدعی نبودند که از اسلام گسسته‌اند و آن را صواب نمی‌دانند، بلکه اسلام حقیقی را همان «اسلام انقلابی» معرفی می‌کردند و می‌گفتند اسلام در انقلاب و مبارزه و نبردهای مادی و طبقاتی منحصر است.

معضل درونی اسلام‌های التقاطی، چه

اسلام انقلابی و چه اسلام رحمانی، به چند مسئله بازمی‌گردد. یکی اینکه اسلام یک مکتب جامع است و صفت جامعیت آن سبب می‌گردد که ما محتاج خوشه‌چینی از مکاتب دیگر و تکمیل اسلام نباشیم. دوم اینکه معارف مکاتب دیگر، باطل است و نمی‌توان آن‌ها را در کنار حقایق اسلام نشانند و مدعی بازسازی معرفت دینی شد، چون این بازسازی در واقع چیزی جز التقاط نیست. سوم اینکه اسلام، همه‌ی اسلام است و یک مسلمان باید به همه‌ی معارف آن متعهد و معتقد باشد و هیچ پاره‌ای از اسلام را بنا بر ملاحظات عصری یا شیفتگی نسبت به مکاتب دیگر، حذف نکند و در پی خوانش‌های تک‌بعدی و گزینشی از اسلام نباشد.

راهی که می‌تواند مانع از تحریف شخصیت امام خمینی بشود، بازخوانی اصول امام است. اولین مطلبی که در مکتب امام وجود دارد، اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی است. امام، اسلام ناب را مقابل اسلام آمریکایی قرار داد. اسلام آمریکایی، اسلام آخوند‌های درباری، اسلام داعشی، بی تفاوت در مقابل جنایات صهیونیستی و آمریکاست. اسلام ناب از نظر امام، اسلام متکی به کتاب و سنت است.

رهبر انقلاب اسلامی ۹۴/۳/۱۲



قائلان آن، در نقطه‌ی مقابل اسلام خشونت‌طلب و تندرو و افراطی قرار می‌گیرند، اما گنجاندن صفت «رحمانی» در این تعبیر، به معنی آن نیست که این گونه از اسلام (که البته در واقع اسلام نیست) تنها به واسطه‌ی صفت یادشده از اقسام دیگر متمایز می‌شود. روشن‌فکران شبه‌دینی لیبرال معتقدند که در اسلام خشونت‌طلب، زور، قهر، غلبه و غلظت، تعیین‌کننده است، اما اسلام رحمانی از گفت‌وگو، تکرر، آزادی و تحمل مخالفت دفاع می‌کند و انحصارگرایی و تنگ‌نظری و تحجر را بر نمی‌تابد.

اگرچه رگه‌هایی از آنچه امروز اسلام رحمانی می‌خوانیم، در طول دهه‌ی پنجاه و شصت شمسی نیز در جامعه‌ی ایران و در میان روشن‌فکران شبه‌دینی وجود داشته است، اما اسلام رحمانی به‌عنوان یک جریان معرفتی-اجتماعی متمایز و شناخته‌شده، از اواخر دهه‌ی شصت یا دست‌کم در اوایل دهه‌ی هفتاد شکل گرفت و با شتاب رشد کرد. در این مدت، انگاره‌ی اسلام رحمانی، صورت نظری و مبسوط یافت و به تدریج در مقابل «اسلام ناب» که امام خمینی رحمه‌الله‌علیه‌بدان قائل بود سر برآورد و صف‌آرایی کرد. اگر در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی، بازار ایدئولوژی مارکسیستی در ایران پررونق بود و به واسطه‌ی شیوع تب انقلابی‌گری و موج‌های ضدسرمایه‌داری در جهان، روشن‌فکران

حدود دو دهه است که اصطلاح «اسلام رحمانی» در فضای فکری و فرهنگی جامعه‌ی ما مطرح شده و به تدریج، دلالت‌ها و مضامین مشخصی نیز یافته است. به‌طور خلاصه، انگاره‌ی اسلام رحمانی از یک‌سو همه‌ی اسلام را دربرنمی‌گیرد و با آن مواجهه‌ی گزینشی می‌کند و از سوی دیگر، محصول «تحریف محتوایی اسلام» است و با حفظ برخی ظواهر، باطن و حقیقت آن را دگرگون می‌سازد و مسخ می‌کند. به بیان دیگر، اسلام رحمانی، تلفیقی از اسلام و لیبرالیسم است و به این واسطه، باید آن را از مصادیق و نمونه‌های متأخر «اسلام التقاطی» قلمداد کرد. التقاط به این معنی است که قائل به اصالت آیین اسلام نباشیم و آن را براساس معیارها و قواعد مکتب‌های دیگر تفسیر کنیم و به این ترتیب، باطل این مکاتب را در کنار حق اسلام بنشانیم. التقاط نوعی اقتباس است که با روح معارف و حقایق اسلام ناسازگار است و آن را مسخ می‌کند. قائلان به انگاره‌ی اسلام رحمانی، به این عنوان که «قرائت عصری از اسلام» مطلوب است و باید نواندیشانه به اسلام نگریست و آن را با اقتضانات زمانه‌ی کنونی منطبق نمود، دست تصرف و تطاول به‌طرف اسلام دراز می‌کنند و برداشتی لیبرالیستی از اسلام می‌آفرینند که در حقیقت، بدعت است و نه اجتهاد روشمند و منطقی:

«بعضی‌ها که در حرف‌ها و نوشتجات و اظهارات، این تعبیر اسلام رحمانی را به کار می‌برند، انسان مشاهده می‌کند و خوب احساس می‌کند که این اسلام رحمانی، یک کلیدواژه‌ای است برای معارف نشئت‌گرفته‌ی از لیبرالیسم [...]». اگر اسلام رحمانی اشاره‌ی به این است، این نه اسلام است، نه رحمانی است مطلقاً»

اسلام رحمانی را اسلام دموکراتیک نیز می‌خوانند که بنا بر نظر

نه آبی نه خاکی

رحمانی، محمد جوادی، عباس شاکری، علی ماکت و

رضا شعبانی و پسر پانزده ساله ای به نام رسول که

همه این‌ها به جز ابراهیم رحمانی شربت شهادت را

نوشیده‌اند، اکنون این دفترچه در دست ابراهیم رحمانی

است. شهید مرادی در لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب (ع)

بوده است. وی در این کتاب از هم‌زمانش، دوستی

هایش، صمیمیت و خلوص رزمندگان، شوخی‌ها و خنده

هایشان، مناجات‌ها و راز و نیازهای خالصانه در تاریکی

های شب، خواب دیدن امامان و... می‌گوید. همچنین او

از نبرد تن‌به‌تن با دشمن، مشاهده صحنه شهادت

رزمندگان و آموزش‌هایشان در آب و خاک نیز گفته است.

نثر روان، ساده و بی‌ابهام اثر و استفاده گاه به گاه از تعابیر

این کتاب، دفترچه یکی از شهدای جنگ تحمیلی «سعید مرادی» است که اکبر شاهدهی مسؤول یکی از گروه‌های تفحص شهدا در میدان رزم یافته است. شهید مرادی در دفترچه اش نشانی نوشته و وصیت کرده دفترچه را به یکی از این سه نشانی بفرستند. حال این دفترچه را علی مؤذنی به صورت کتاب درآورده و در اختیار علاقمندان قرار داده است. این دفترچه خاطرات ۶ سال حضور شهید مرادی در جبهه است که به قلم خود او نگاشته شده است. شهید مرادی در ابتدای کتاب، جریان وداع با خانواده اش برای حضور در میدان جنگ، سپس آشنایی اش با ابراهیم

